



The Right of Animals to Life from the Perspective of Narrations*

Farida Asghari^۱

Ahmad Muradkhani^۲

Seyyed Hassan Abidian^۳

Abstract

Animal rights, especially the right to life and the preservation of their generation, are important issues in human societies, and their importance increases due to the role of animals in the survival of a suitable human environment. Sometimes these rights are proposed by some as an expression of the flaws of Islamic law with unscientific and more cultural and political purposes, while the background of legal and practical support for Islam is far ahead of other schools. In this article, by examining the verses, narrations and related jurisprudential texts and by descriptive-analytical method, the arguments of the right to life of animals and their preservation and protection have been explained. The results of the research indicate the comprehensive support of this right by the sharia law and in this research, material support, such as the right to livelihood, nutrition, health, residence, etc. and spiritual support are emphasized and it is one of the honors of Islam to express these rights by Imam Ali (A.S) in the ruling charter.

Keywords: Animal Rights, Animal Right to Life, Physical and Mental Security of Animals, Environment, Preservation of Animal Generation.

*. Date of receiving: ۰۵, ۱۰, ۲۰۲۱ -Date of approval: ۲۰, ۱۲, ۲۰۲۱.

۱_ Farideh Asghari PhD student Department of Islamic Jurisprudence and Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, (asghari_۱۱۰@yahoo.com).

۲- Farideh Asghari PhD student Department of Islamic Jurisprudence and Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, (ah_moradkhani@yahoo.com.)

۳- Assistant Professor, Department of jurisprudence and Islamic law, Islamic Azad University , Qom, Iran, (mhabet4@yahoo.com.)



حق حیات حیوانات از منظر روایات*

فریده اصغری^۱ - احمد مرادخانی^۲ - سید حسن عابدیان^۳

چکیده

حقوق حیوانات به‌ویژه حق حیات و حفظ نسل آن‌ها از مباحث مهم جوامع بشری است و با توجه به نقش حیوانات در بقای محیط زیست مناسب انسانی، اهمیت آن افزایش می‌یابد. گاهی این حقوق توسط برخی به‌عنوان بیان نقص شرع اسلام با اهداف غیر علمی و بیشتر فرهنگی و سیاسی طرح می‌گردد و این در حالی است که پیشینه حمایت قانونی و عملی اسلام بسیار مقدم بر سایر مکاتب می‌باشد. در این جستار با بررسی آیات، روایات و متون فقهی مرتبط و با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین و بررسی ادله حق حیات حیوانات و حفظ و حمایت از آن‌ها پرداخته شده است. برآمد تحقیق نشان‌دهنده حمایت همه‌جانبه قوانین شرعی از این حق بوده و در این پژوهش، حمایت‌های مادی، مانند حق معاش، تغذیه، بهداشت، اقامتگاه و غیره و حمایت‌های معنوی مورد تاکید قرار گرفته و از افتخارات اسلام بیان این حقوق توسط امام علی علیه السلام در منشور حکمرانی است.

واژگان کلیدی: حقوق حیوانات، حق حیات حیوانات، امنیت جسمی و روحی حیوانات، محیط زیست، حفظ نسل حیوانات.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ (asghari_110@yahoo.com).

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ (ah_moradkhani@yahoo.com).

۳. سید حسن عابدیان، استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛ (mhbed4@yahoo.com).



مقدمه

توجه و حمایت از حقوق حیوانات از موضوعاتی است که، به شکلی گسترده در میان دولت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های مردم نهاد و حامی حیوانات و افکار عمومی مطرح می‌باشد و بحث از آن رشد فزاینده‌ای یافته است، به گونه‌ای که حمایت قانونی نه تنها در قوانین داخلی کشورهای گوناگون مطرح یا مصوب گشته بلکه در سطح جهانی نیز مورد حمایت قرار گرفته است. از سوی دیگر، برخی در پی متهم ساختن اسلام به نقض حقوق حیوانات می‌باشند و این در حالی است که در منابع اسلامی در چهارده قرن پیشتر، نه تنها اصل حیات حیوانات مورد پذیرش بوده بلکه راه‌های عملی جهت تامین این مهم مورد توجه و تشریح و تاکید قرار گرفته است.

در غرب بحث از حمایت حقوق حیوانات به دو قرن اخیر باز می‌گردد و نخستین بار در سال ۱۸۲۲م، یعنی پس از رنسانس و هم‌زمان با صنعتی شدن جهان، طرح حمایت از حقوق حیوانات در مجلس انگلیس به تصویب رسید و پس از آن، اندک اندک، به شکل‌های گوناگونی در برخی کشورهای اروپایی رشد یافت تا این‌که در پانزدهم اکتبر ۱۹۷۸ م، شورای مرکزی یونسکو در شهر پاریس، خبر از بیانیه‌ای در حمایت از حقوق حیوانات داد و سال‌ها پس از آن، مفادش بازبینی شد و در سال ۱۹۹۰ م منتشر گردید. (شفیعی، ۱۳۷۶: ۷۱).

هرچند در رابطه با حقوق حیوانات کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده (ر. ک. حقوق حیوانات در اسلام، مقیمی، ۱۳۸۷) اما حق حیات حیوانات و راه‌های حمایت از آن در منابع اسلامی به ویژه در روایات به صورت دقیق مورد توجه و بررسی قرار نگرفته، لذا در این جستار با روش توصیفی-تحلیلی روایات و آیات مرتبط و گزارش‌های تاریخی، به این پرسش که حق حیات و زندگی حیوانات چیست؟ و چگونه در احکام از آن حمایت می‌شود؟ پاسخ داده می‌شود.

الف. مفهوم‌شناسی

۱-۱. واژه حق، الف در لغت: واژه «حَقٌّ»، مصدر ثلاثی مجرد از باب «حَقَّ، يَحِقُّ» که جمع آن «حُقُوق و حِقَاق» می‌باشد (ابن منظور، ۱۳۶۳: ۴۹/۱۰؛ فیومی، بی تا، ۱۴۳/۲). مهم‌ترین معانی آن عبارت است: حق در مقابل و ضد باطل است و (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۶/۳؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱۴۸/۵). امر ثابت و حتمی یا موجود ثابت غیر قابل انکار و استوار (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۶/۳؛ طبرسی، ۱۴۱۸



ق: ۸۸/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۵/۲). واجب (زمخشری، ۱۹۶۰ م: ۱۳۵)؛ مطابقت با واقع (راغب، ۱۴۲۷ ق: ۲۴۶). از مجموع سخن واژه‌شناسان دو نکته مهم و دو معیار برای شناخت حق به دست می‌آید: نخست: واژه «حق» دو جهت وصفی و اسمی دارد؛ به اعتبار اسم مصدری، معنای آن «ثبوت» و به لحاظ وصفی، معنای آن «ثابت» است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۳). دوم: در مفهوم این کلمه، قید «مطابقت با واقع» اخذ شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۶۲/۲). و چیزی که مطابق با واقع باشد، در حقیقت، ثبوت آن قطعی و یک امر ثابت، پابرجا، مستحکم و زوال ناپذیر خواهد بود، هرچند غبار انکار، تعصب، لجاجت و یا جهالت، چهره آن را بپوشاند. به نظر می‌رسد مفهوم اصلی حق همان امر دارای ثبوت و مطابق با واقع غیر قابل انکار و موجود ثابت است و سایر معانی به گونه‌ای به این معنای اصلی بر می‌گردند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۵/۲).

ب. حق در اصطلاح: ۱. در اصطلاح دانش حقوق: حقوق‌دانان این واژه را در اقتدار و قدرت (موحد، ۱۳۸۱: ۴۴)، اختصاص (ابو السعود رمضان و زهران، ۱۹۹۸ م: ۱۸۳). امتیاز و نفع حمایت شده از سوی نظام حقوقی (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۷۳؛ موحد، ۱۳۸۱: ۴۴). مصلحت (نبیل سعد، ۱۹۹۵ م: ۱۲۰). و امر اعتباری (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۶). به کار برده‌اند. ۲. در اصطلاح فقهی، حق دارای دو معنای عام و خاص است:

در معنای عام خود، به تمامی آنچه که دارای وجهه ثبوت و تحقق هستند، اطلاق می‌شود (بحرالعلوم، ۱۳۶۲: ۳۳/۱). بر این اساس، «حکم، ملک و حق به معنای خاص»، شامل این معنای می‌شوند (خوانساری، ۱۴۱۸ ق: ۱۰۵/۱). زیرا حکم در مقام تشریح، یک امر ثابت است و نیز ملک و مال یا حق برای صاحب ملک و ذی حق، ثبوت دارند. نکته قابل ذکر این است که در این معنای عام، بین حق و حکم و ملک تفاوتی یافت نمی‌شود.

در معنای خاص، حق در مقابل حکم و ملک، است لذا در کلام فقها به معنای سلطنت (کاشف الغطاء، ۱۴۰۲ ق: ۸۶). به معنای نوعی از ملک و مرتبه‌ای از آن (یزدی، ۱۳۷۸: ۵۵/۱ و ۵۸). اعتبار خاص (خراسانی، ۱۴۰۶ ق: ۴). به معنای حکم (خوبی، بی‌تا، ۵۲/۲). و معنای مجعول وضعی (صدر، ۱۴۲۷ ق: ۲۲۷/۳). آمده است.

همان‌گونه که به اختصار گذشت، حق در معنای لغوی، اصطلاحی و حقوقی دارای معانی مختلف هستند؛ هر چند این اختلاف ماهوی نیست، علت این تعدد معنا، نبودن تعریف حقیقی به معنای منطقی آن (حد و رسم) می‌باشد، زیرا تعریف حقیقی تنها به ماهیات که دارای جنس و فصل هستند،



اختصاص دارد و نمی‌توان برای امور انتزاعی مانند حق، تعریف حقیقی ارائه نمود. بلکه تعریف‌ها تنها در حد شرح لفظ است. از این جهت می‌توان حق را به «شایستگی داشتن موجودی نسبت به چیزی» معنا نمود. (طالبی، ۱۳۹۳ ش: ۷۲). که در این معنا، واژه حق، بدون در نظر گرفتن قیود قانونی، اخلاقی، فردی یا اجتماعی به صورت مطلق (یعنی حق مطلق) تعریف شده است که معنای مورد نظر ما از حق در این مقاله همین معناست. و بر همین اساس اطلاق واژه «حقوق» در جمله «حقوق حیوان» مسامحه‌ای نبوده و بدون تردید حیوانات صاحب حق هستند؛ و حق به معنای «حق داشتن»، امتیازی است که از سوی شارع به صاحبان حق، بر پایه شایستگی و لیاقت آنها، جعل و تشریح می‌شود. از این رو، شارع مقدس برای حمایت از حقوق حیوانات مقرراتی را در قالب احکام پنج‌گانه وضع کرده و حتی عین واژه «حقوق» در زبان برخی روایات برای حیوانات به کار رفته است. برای نمونه شیخ حر عاملی بابی با عنوان «حقوق الدابة المندوبة والواجبه» را در وسائل الشیعه، اختصاص داده و روایات گوناگونی را در آن نقل کرده است. (عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۴۷۸/۱۱). که بر اساس آن تکلیف مالک حیوان و اشخاص دیگر را در برابر حیوان مشخص می‌کند و حقوق حیوان را ثابت می‌کند.

حتی اگر حق به معنای سلطنت باشد، باز بر حقوق حیوانات منطبق است؛ زیرا حیوانات نیز در حد توان‌شان بر برخی از حقوق‌شان سلطه دارند. برای نمونه یک حیوان می‌تواند غذای خود را که حق اوست خودش بخورد و یا به دیگری واگذار کند، یا از کسانی که حق او را ضایع کرده‌اند، انتقام بگیرد یا ببخشد، یا نسبت به کسی که به او محبت کرده، وفادار بماند و به نحوی محبتش را جبران کند. همچنین در اندیشه اسلامی و در معنای اخلاقی نیز، حق بر حقوق حیوان صادق است.

۲-۱. واژه حیات: حیات به معنای عمر، زیست، زندگی، مقابل ممات و زندگانی است: «ویسمی

المطر حیا لأن به حیاة الأرض» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۲۲/۲).

۳-۱. واژه حیوان در لغت و اصطلاح: واژه «حیوان» از ریشه «حیاة» گرفته شده به معنای «هر

موجود صاحب روح است؛ ناطق باشد یا غیر ناطق. (فیومی، بی تا، ۱۶۱/۲). به عبارت دیگر، حیوان به هر مخلوقی گفته می‌شود که صاحب روح و دارای حیات است. بنابراین، حیوان شامل انسان، بهائم و غیر آنها می‌شود و در اصطلاح، اکثراً حیوان به موجود زنده و صاحب روح غیر انسان اطلاق می‌شود که عاقل نیستند (فتح الله، ۱۴۱۵ ق: ۱۷۲). به عبارت دیگر، حیوان مورد بحث در این مقاله، همان حیوان مصطلح، یعنی موجوده زنده غیر انسان است.

۴-۱. واژه روایت: روایت در لغت به معنای حمل: «رُوی البعیر الماء» و در اصطلاح، خبری است



که از طریق نقل به صورت نقل یک راوی از راوی پیش از خود و همین طور تا به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام برسد. (طریحی، ۱۳۶۲: ۱۹۹/۱).

ب. معیار و ملاک برخورداری حیوانات از حقوق

بحث از ملاک برخورداری از حقوق بحث مبسوطی است که مقاله‌ای مستقل می‌طلبد و برخی ملاک و معیار برخورداری حیوانات از حقوق را روح داشتن و عده‌ای قدرت ادراک و احساس داشتن حیوان و برخی دیگر حیوان را از آن جهت که موضوع توجهات اخلاقی قرار می‌گیرد صاحب حق می‌دانند و در مقابل حتی برخی از نویسندگان غربی به طور مستقیم حیوان را کلا صاحب حق ندانسته و تنها به صورت غیر مستقیم و تنها به اعتبار مالکانشان موضوع حق قرار داده‌اند. (رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۹: ۲۰۳). در واقع این افراد چون داشتن حق را مستلزم تکلیف می‌دانند که بر پایه دستور قانون تحقق می‌یابد، و از آن جا که حیوانات نمی‌توانند از قانون و مقتضیات آن آگاه باشند پس مکلف نبوده و با وجود ملازمه بین حق و تکلیف صاحب حق نمی‌باشد. (نبویان، ۱۳۸۹ ش: ۱۷۲). اما از دیدگاه اسلام، با توجه به آیات و روایات تمام موجودات اعم از جمادات، نباتات، حیوانات، و انسان و به طور کلی هر چیزی که بهره‌ای از وجود دارد دارای شعور است و بر همین اساس به تسبیح خداوند مشغول هستند. (حشر، ۱ و ۲۴) و مای موصوله شامل کل هستی ما سوی الله می‌شود و ادعای تلازم و بین حق و تکلیف در اسلام مردود است حتی عقل داشتن هم ملاک حق داشتن نیست بر همین اساس مجانبین در اسلام تکلیفی ندارند در حالی که دارای حقوق می‌باشند و طیف ادله بی‌تردید، حیوانات به تناسب خودشان از قوه درک و شعور و اراده بهره‌مند هستند چنانکه در آیات به آن تصریح شده است (انبیاء، ۷۹ و اسراء، ۴۴ و نور، ۴۱). یا در روایت سکونی به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول مکرّم صلی الله علیه و آله آمده «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتُّ خِصَالٍ... وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا...»، (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۳۰) که در ادامه روایت به صورت کامل خواهد آمد.

ج. حق حیات و زندگانی حیوانات

در اعلامیه جهانی حقوق حیوانات منتشره نهایی در سال ۱۹۹۰م (iranspca.com)، طی ده ماده بطور کلی، خواهان: حق زندگی، احترام، تولید مثل، اجتناب از آزار جسمی و روحی و برخورد های بی‌رحمانه، استمرار قانون برای حفظ و صیانت از آنان و آموزش به شهروندان و کودکان برای رفتار مناسب با آنان است. که در ماده اول از مواد دهگانه اعلامیه به حق زندگانی حیوانات پرداخته و در آن



آمده است: «همه حیوانات مساوی خلق شده‌اند و حقی مساوی برای زندگی دارند». افزون بر ماده اول، چند ماده دیگر این بیانیه نیز، به‌طور غیرمستقیم ناظر به حق حیات حیوانات هستند: «ماده هفت: هر فعل غیر ضروری منجر به مرگ حیوانات و هرگونه تصمیم منجر به چنین عملی به مثابه جنایت علیه حیات است. همچنین بند یک ماده هشت: هرگونه عمل مغایر با بقای گونه‌های حیوانات وحشی و یا هرگونه تصمیمی که منتهی به این امر گردد، کشتار دسته جمعی تلقی نموده است.

در اسلام بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی نه تنها این حقوق مورد پذیرش قرار گرفته بلکه جهت حفظ آن شارع مقدس احکام فقهی خاصی را جعل نموده است، احکامی که فراتر از مواد اعلامیه است. حق حیات و حفظ نسل حتی نسبت به حیوانات وحشی، از اساسی‌ترین حقوق مخلوقات الهی است. خداوند مهربان به حضرت نوح علیه السلام دستور می‌دهد که از هر حیوانی، یک زوج را با خود به کشتی برد: (قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ اثنین) (هود، ۴۰) بر اساس دیدگاه مفسران فریقین، معنای جمله «من کل زوجین» مطلق بوده و شامل هر نوع حیوانی می‌شود «من کل نوع من الحيوان» (شبر، ۱۳۸۵: ۲۳۱؛ زحیلی، ۲۰۰۶ م: ۱۰۴۲/۲). است و به بیان دیگر از هر جنس حیوان «من کل جنس من أجناس الحيوان» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲۲۶/۱۰). جفتی (نر و ماده) را سوار کشتی نماید. دلیل این فرمان این است: همان طوری که بعد از گذشت طوفان، بقای نسل انسان صالح در روی زمین ضروری است، حفظ و بقای نسل حیوانات و اصل نوع حیوان نیز ضرورت دارد (قرطبی، ۱۹۸۵: ۳۴/۹).

در آیه ۳۲ سوره مائده: (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا) خداوند سبحان، اهمیت زندگانی موجودات را به انسان مثال زده و کشتن یک انسان به‌عنوان یک موجود دارای حق حیات را، مساوی با کشتن همه انسان‌ها می‌داند. زیرا در منابع روایی همین تعبیر در مورد حیوانات به کار برده شده، امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد اداره زندگی حیوانی که مالکش از دادن علوفه خودداری و یا به دلیل ناتوانی مالی رها ساخته و حیاتش در معرض خطر قرار گرفته، تعبیر به «احیا» کرده است: «... فِي الدَّابَّةِ إِذَا سَرَّحَهَا أَهْلُهَا أَوْ عَجَزُوا عَنْ عَافِيهَا أَوْ نَفَقَتِهَا فَهِيَ لِلذِّي أَحْيَاهَا قَالَ... وَإِنْ تَرَكَهَا فِي غَيْرِ كَلْبٍ وَلَا مَاءٍ فَهِيَ لِمَنْ أَحْيَاهَا». (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۴۱/۵). پس همان طور که قتل یک نفر نزد خداوند، به منزله قتل همه‌ی مردم و بی‌اعتنایی به مقام انسانیت و سلب امنیت از همه‌ی مردم است زیرا یک انسان می‌تواند سرچشمه‌ی یک نسل باشد، (قزائنی، ۱۳۸۸: ۲۸۱/۲). رها کردن حیوان و یا خودداری از تغذیه او نیز سلب زندگی از اوست. و با



الغای خصوصیت، می‌توان استنباط کرد که آثار احیاء انسان در آیه، بر حیات بخشیدن به حیوان، نیز مترتب می‌شود. با حیات بخشی به حیوانی که منشا توالد و تناسل است، زمینه ساز تکثیر نسل او و برگرداندن حق مسلم حیات به این موجود بادرک و شعور، خواهیم بود.

د. راه کارهای عملی حفظ حق حیات حیوانات

تشریح احکام تکلیفی و وضعی برگرفته از آیات و روایات که در ادامه می‌آید از مهم‌ترین راه کارهای حفظ و صیانت از حیات حیوان می‌باشد.

۱. تأمین امنیت جسمانی حیوانات

الف. حق معاش حیوانات: حیوانات همانند دیگر موجودات برای ادامه حیات جسمانی نیازمند به آب و غذا هستند و آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال را متکفل روزی حیوانات معرفی کرده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...» (هود/۶)، «وَكَايُنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا...» (عنکبوت/۶۰) خداوند خود را رازق روزی جاندارانی می‌داند که قادر به دست آوردن آن نیستند. واژه «دابه» بر هر موجودی که در روی زمین حرکت می‌کند اطلاق می‌شود از این رو، شامل همه حیوانات می‌گردد. (فخر رازی، بی‌تا، ۱۸۶/۱۷). و آنان برای استمرار حیات، نیاز به تغذیه دارند و خداوند متعال متکفل رساندن روزی به آنهاست (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۲۴۵/۵). در آیات دیگر خداوند دلیل رویاندن زمین و شکافتن دانه‌ها، انگور، سبزی، درخت زیتون، نخل و باغ‌های پر از درخت و میوه و چراگاه را در راستای ادامه زندگانی انسان و حیوان بیان کرده است: «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالُ أَسْهَاهَا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ». (نازعات: ۳۰ - ۳۳) و «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَرَيْثُونًا وَنَخْلًا وَحَدائقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ». (عبس: ۲۶-۳۲) و نکته مهم این است که خداوند انسان و چهارپایان را در کنار هم و به دنبال هم، لایق بهره‌وری از نعمت‌های خویش می‌داند و این نکته، نشان‌گر اهتمام خداوند تبارک و تعالی، برای داشتن حق زندگی این موجودات که مبتنی بر استفاده از رزق و روزی خداوندی است، می‌باشد. که بر اساس روایات حضرات معصومان علیهم‌السلام، این حق در ابتدا بر عهده مالک است و پس از آن سایرین از مردم عادی تا مقامات حکومتی نسبت به تغذیه حیوانات تکلیف دارند.

در روایات نیز به این امر تصریح شده است: که به منظور رعایت اختصار به چند مورد اشاره می‌شود ۱. سکونی، امام صادق علیه‌السلام از پدانش از امیرمؤمنان علیه‌السلام روایت کرده که رسول خدا صلی



الله عليه وآله فرموده است: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتٌّ خِصَالٌ يَبْدَأُ بِعَلْفِهَا إِذَا نَزَلَ وَ يَعْزِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ...» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۳). دادن آب و علف به‌عنوان اولین کار بعد از پایین آمدن از حیوان. ۲. مسعودی در وصایای امام سجاد علیه السلام می‌نویسد: «یکی از گفتار ایشان در باره ناقه‌اش این بود، با او به نیکی رفتار و علوفه‌اش فراهم شود.» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۷۴). ۳. سیوطی در جامع الاحادیث نقل می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هرگاه هنگام سفر از سرزمین سرسبزی که علف خوب دارد، عبور می‌کنید، شتران را از زمین، بهره‌مند سازید (و بگذارید که حیوانات بچرند و سیر شوند.» (سیوطی، ۲۲۰/۱).

فقه‌های اسلام نیز بر اساس ادله که عمده دلیل آن روایات است، نفقه حیوانات را بر مالک واجب می‌دانند (حلی محقق، ۱۴۰۷: ۱۹۶؛ فاضل‌آبی، ۱۴۰۸ق: ۲/۲۰۴). و در وجوب آن علماء اختلافی ندارند. (عاملی، ۱۴۱۳: ۱/۴۹۱). نکته مهم این است که در وجوب نفقه، تفاوتی در حلال و حرام بودن گوشت حیوان، بهره بردن یا نبردن مالک از حیوان، نیست، همین‌که مملوک او محسوب می‌شود، نفقه او به اندازه نیازش واجب است. (حلی، ۱۴۱۳ق: ۳/۱۱۸). شیخ طوسی دلیل وجوب و لزوم نفقه حیوان را حرمت و احترام او می‌داند و می‌گوید: «لأن لها حرمة». (طوسی، ۱۳۸۷: ۶/۴۷). و (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۸/۴۹۷). و برخی از فقهای اهل سنت همانند شربینی و ابن‌سمعون بغدادی و برخی دیگر، تصریح دارند بر این‌که حیوان روح دارد و صاحب روح دارای حرمت و احترام هستند، نفقه آنها بر مالک واجب است. (شربینی، ۱۴۱۵ق: ۲/۱۴۲؛ ابن‌سمعون بغدادی، بی‌تا، ۱/۳۲۴).

ب. رعایت بهداشت در تغذیه حیوان: برای پاسداری از سلامت جسمی و حفظ حرمت روح و احترام به حیوان اقتضا می‌نماید که انسان برای حیوانات تحت تملک خود، آب و غذای سالم و بهداشتی و حلال برای تغذیه حیوان تهیه کند. نوشاندن آب و خوراندن غذای نجس به حیوانات به معنای نادیده گرفتن حقوق حیوان بوده و حرام می‌باشد. در روایت امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌نماید: «نَهَى أَنْ يَبُولَ الرَّجُلُ فِي الْمَاءِ الْجَارِي إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ وَقَالَ إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ادرار در آب جاری، به دلیل وجود موجودات آبی، نهی فرمودند. (طوسی، ۱۳۶۳: ۱/۱۳). در روایت دیگر امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «الْمَاءُ لَهُ سُكَّانٌ فَلَا تُؤْذُوهُمْ بِبَوْلٍ وَلَا غَائِطٍ؛ آب ساکنانی دارد، آنها را با ادرار و مدفوع آزار ندهید.» (أحسان، ۱۴۰۴: ۲/۱۸۷). تغذیه حلال و پاک، آن قدر مورد توجه و تاکید است که متولیان دینی حتی نسبت به پاک کردن جو برای اسب از دانه‌های هرز و سنگ ریزه، سفارش نیز سفارش کرده‌اند و برای آن بشارت به حسنه داده‌اند: در روایت فریقین از



رسول مکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «مَنْ نَقَى شَعِيرًا لِفَرَسِهِ، ثُمَّ قَامَ بِهِ حَتَّى يَغْلِفَهُ عَلَيْهِ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ شَعِيرَةٍ حَسَنَةً». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷/۶۱؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق: ۳۰/۲؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵م: ۲۴۲/۱۸). وقتی برای تغذیه حیوان سفارش به جدا کردن سنگ ریزه غذای او شده، به طریق اولی نوشاندن نجاسات و مسکرات که برای جسم حیوان ضرر و به روح او که حرمت و احترام دارد، لطمه می‌زند، جایز نیست.

ج. رعایت بهداشت در مسکن حیوانات: رعایت بهداشت آسایشگاه‌های حیوانات یکی از راه‌های حمایت از حق حیات آنان است. مرحوم کلینی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره محل نگهداری گوسفندان فرمود: «نُظِّفُوا مَرَابِضَهَا وَامْسُحُوا رُغَامَهَا». محل زندگی گوسفندان را تمیز کنید و آب بینی صورت شان را پاک کنید. (یا گرد و خاک را از محل زندگی شان پاک نمایید)، (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۴۴/۶). برای کلمه «رغام» دو معنا ذکر شده است، یکی به معنای آب بینی و دیگری به معنای تراب و خاک. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۰/۶۱). علامه مجلسی در کتاب حلیة المتقین می‌آورد: خوابگاه گوسفندان را پاکیزه و خاک را از بدن شان پاک کنید. خاکی شدن بدن حیوان ممکن است در بیرون از محل استراحت‌گاه و یا در اثر خاکی بودن محل نگهداری صورت بگیرد و این یک نوع پیش‌گیری از گرد و خاکی شدن بدن حیوان و برای حفظ سلامت و احترام به زندگی اوست. (مجلسی، بی‌تا، ص ۲۰۸). حتی احمد بن محمد بن خالد برقی در ادامه روایت علت نظافت را، بهشتی بودن این حیوانات می‌داند: «فإنهن من دواب الجنة» (برقی، ۱۳۷۰: ۶۴۱/۲). اگر این واژه به معنای دوم یعنی پاک کردن خاک از محل زندگی آنان باشد، می‌توان گفت برای تأکید جمله نخست روایت است؛ یعنی نظافت مسکن و محل زندگی حیوان بیان شده. این روایت را محدثان اهل سنت (صنعانی، ۱۴۰۳: ۴۰۹/۱). و برخی دیگر نیز از طرق متعدد نقل کرده‌اند.

د. رسیدگی به درمان حیوان: از مصادیق اهتمام به حق زندگی حیوانات، اقدام به درمان آنها می‌باشد که در مصادر شیعه و اهل سنت وارد شده است: چنان‌که کلینی روایتی را از امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می‌کنند که برای عدم ضمانت پزشک و بیطار (دامپزشک) اخذ برائت قبل از شروع درمان لازم است و این امر دلالت بر مفروغ‌عنه بودن لزوم درمان حیوانات دارد: «السَّكُونِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَنْ تَطَبَّبَ أَوْ تَبَيَّطَرَ فَلْيَأْخُذِ الْبُرَاءَةَ مِنْ وَلِيهِ وَإِلَّا فَهُوَ لَهُ صَامِنًا» «هر کس طبابت یا بیطاری می‌کند از مریض (اگر انسان باشد) و مالک حیوان برائت بگیرد و الا ضامن خواهد بود»، (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۶۴/۷). و صنعانی نیز با همین مضمون حدیثی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند:



«عن الضحاک بن مزاحم قال خَطَبَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ النَّاسَ فَقَالَ...» (صنعانی، ۱۴۰۳: ۴۷۱/۹).
در دسته دیگر از روایات از جمله وظایف سرپرستی اموال یتیم، معالجه حیوانات او ذکر شده است:
«حنان بن سدیر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام سألتني عيسى بن موسى عن القيم للأيتام في الإبل وما يحل له منها؟ فقلت... وهنا جرباها (أى عالج جرب إبله بالقطران)...» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۳۰/۵). و بیهقی نیز در سنن الکبری نیز به این مضمون آورده (بیهقی، ۱۴۱۴ق: ۴/۶).

۲. حمایت از تولید مثل و نهی از عقیم کردن حیوانات

تولید مثل، در بقاء و استمرار نسل هر موجود زنده‌ای از جمله حیوانات نقش اساسی دارد. که نوعی حفظ حیات نسل است، از این جهت خداوند در نسل هر موجودی دو جنس نر و ماده را قرارداده و می‌فرماید: وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (ذاریات/۴۹) این سنت خداوند برای تولید، تکثیر و استمرار حیات موجودات است و حیوانات نیز از این قاعده مستثنا نیستند. در حدیثی از امیرالمؤمنین عليه السلام آمده است: «لَيْسَ فِي الْإِسْلَامِ إِخْصَاءٌ. فِي الْإِسْلَامِ إِخْصَاءٌ» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ۸۰). همچنین در روایت دیگری آمده: «قَالَ عَلِيُّ عليه السلام إِنَّ رَجُلًا مِنْ نَجْرَانَ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فِي غَزَاةٍ وَمَعَهُ فَرَسٌ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَسْتَأْنِسُ إِلَى صَهِيلِهِ فَفَقَدَهُ فَبَعَثَ إِلَيْهِ فَقَالَ مَا فَعَلَ فَرَسُكَ فَقَالَ اشْتَدَّ عَلَيَّ شَغْبُهُ فَخَصَيْتُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم مَثَلَتْ بِهِ مَثَلَتْ بِهِ الْخَيْلُ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَهْلُهَا مُعَاوَنُونَ عَلَيْهَا أَعْرَافُهَا وَقَارُهَا وَ نَوَاصِيهَا جَمَالُهَا وَ أَذْنَابُهَا مَذَابُهَا». «امیر مؤمنان فرمود: مردی از نجران در جنگی همراه رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم حضور داشت. اسبی داشت که آن حضرت با شیهه آن انس گرفته بود، اما مدتی آن مرد و اسبش را ندید، کسی را سراغ او فرستاد، وقتی آمد، رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم پرسید: با اسب خود چه کردی؟ مرد گفت: عصبانی شدم و اسب را آخته کردم! رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: چرا آن حیوان را «مثله» و عضو بریده کردی؟ در پیشانی اسب، خیر و نیکی نوشته شده تا رور قیامت، کسانی که اسب دارند باید اصالت و پیشانی و نسل و ساق پا و زیبایی آن را حفظ کنند» (راوندی، ۱۳۷۷: ۳۴). در منابع روایی اهل سنت نیز احادیث متعددی در نهی از عقیم کردن حیوانات وارد شده چنان‌که جمله «لَا إِخْصَاءَ فِي الْإِسْلَامِ» از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم در سنن کبری بیهقی نقل شده و البانی که از وی به بخاری دوران تعبیر می‌کنند این روایت را تصحیح کرده است (بیهقی، ۱۴۱۴: ۴۱/۱۰؛ البانی، ۱۴۲۳: ۱۲۰۳/۲).



۳. از نظر اسلام

صید بی‌رویه و هم‌چنین کشتار بیش از حد نیاز حیوانات، مورد نهی واقع شده است، قرآن کریم در آیه ۲۰۵ سوره بقره، می‌فرماید: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ) اگر زمانی یک عده (منافقان که شان نزول آیه درباره آنان است) به قدرت برسند، زمین فساد می‌کنند، کشتزارها یعنی محیط زیست و نسل را که شامل نسل انسان و حیوان می‌شود، نابود می‌کنند. در این‌که چه چیزی سبب نابودی حرث و نسل می‌شود، می‌تواند این نابودی محیط زیست باشد که نابودی کشتزارها با احراق، و هلاکت نسل انسان و حیوان با کشتار و صید تحقق یابد (ابن جوزی، ۱۴۰۴ ق: ۲۰۱/۱). و یا مقصود از «زرع»، تمام مصالح اقتصادی همانند زراعت، صناعت مواد اولیه و همه آنچه مربوط به حیات و معیشت انسان است، باشد و مقصود از «نسل» همه موجوداتی که روی زمین راه می‌روند (مغنیة، ۱۹۸۱: ۳۰۹/۱). و یا اینکه آیه درصدد بیان این نکته باشد که فساد حرث و نسل و اهلاک نبات و حیوان، فساد بزرگی است و فساد بزرگ‌تر از آن نیست (فخر رازی، بی‌تا، ۲۲۰/۵). بنابراین آیه مبارکه هم شامل حرمت تخریب، افساد و نابودی محیط زیست و هم شامل حرمت نابودی نسل حیوانات از راه کشتار و صید می‌شود. در روایت محمد بن مسلم با سند صحیح از امام باقر علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از تناول گوشت الاغ اهلی به منظور پیش‌گیری از انقراض نسل آنان نهی فرمود: «... مَخَافَةَ أَنْ يَفْنَوْهَا وَ كَيْسَتِ الْحَمِيرُ بِحَرَامٍ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ (قُلْ لَا أُحَدِّثُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ...))» (مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۴۴۸/۷؛ صدوق، ۱۳۸۵ ق: ۵۶۳/۲). همین مضمون از امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ به محمد بن سنان نقل شده است که دلیل نهی از ذبح و خوردن گوشت آنها حرام بودنشان نیست بلکه برای جلوگیری از فنا و نابودی نسلشان است. (صدوق، ۱۳۸۵ ق: ۵۶۳/۲). پس کشتار و صید بی‌رویه که باعث انقراض نسل حیوان خواهد شد جایز نبوده و باید جلوی آن را گرفته شود. البته این روایات هرچند صریح در صید نیستند و یا این‌که متعلق نهی فقط یک نوع حیوان است، ولی از بیان علت نهی از خوردن گوشت الاغ «مَخَافَةَ أَنْ يَفْنَوْهَا، وَالْخَوْفِ مِنْ فَنَائِهَا،» نهی از کشتن و صید بی‌رویه را می‌توان استفاده کرد و حکم را تعمیم داد. (حمیری، ۱۴۱۳: ۲۷۵).

۴. منع از تحریش (به جنگ هم انداختن حیوانات)

یکی از اموری که زندگی حیوانات را مورد تهدید قرار می‌دهد و در اسلام، مورد نهی واقع شده،



جنگ اندازی بین حیوانات است (حلی، ۱۴۰۵: ۳۹۷). در دو روایت به سند موثق از مسمع و از ابوالعباس از امام صادق علیه السلام آمده: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ التَّحْرِيشِ بَيْنَ الْبَهَائِمِ فَقَالَ أَكْرَهُ ذَلِكَ إِلَّا الْكَلَابَ». «از امام صادق علیه السلام در باره به جنگ واداشتن بین حیوانات پرسیدم ایشان فرمود: همه آنها را مکروه می دارم جز در مورد سگان.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۵۴/۶؛ برقی، ۱۳۷۰: ۶۲۸/۲). البته مرحوم کلینی در پاورقی می گوید: فرق ندارد که حیوان همجنس باشند و یا نوع متفاوت مثل جنگ انداختن بین گاو و شیر. سند این دو روایت را محمدتقی و علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵۰۰/۷؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۷۷/۲۲). موثق می دانند. علامه مجلسی می گوید: روایات هرچند با لفظ کراهت وارد شده ولی کراهت در عرف اخبار، اعم از حرمت و کراهت است؛ اما ایشان دلالت این روایات را بر تحریم تحریش از نکته دیگر استفاده کرده و آن این که عمل تحریش و جنگ انداختن بین حیوانات یک عمل لہوی، بی فائده و ضرر زدن به حیوانات است که هیچ مصلحتی در آن وجود ندارد از این جهت می توان به تحریم آن قائل شد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷/۶۱؛ شوکانی، ۱۹۷۳: ۲۵۰/۷).

۵. تقدم حفظ حیات حیوان بر برخی واجبات

در فقه اسلامی حمایت از حیات حیوانات، همانند حمایت از حیات انسان یک اصل فقهی- حقوقی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۱۷/۱۲؛ نووی، بی تا، ۴۸/۹؛ شربینی، ۱۴۱۵: ۳۰۸/۴). به گونه ای که بر برخی واجبات مقدم شده که برای نمونه مواردی بیان می گردد:

الف. تقدم سیراب کردن حیوان با آب وضو بر وضو گرفتن؛ در صحیح ابن سنان از امام صادق علیه السلام آمده است: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشغول وضو بودند. در این هنگام گربه ای خانگی به آن حضرت پناه آورد. ایشان پی بردند که این گربه تشنه است: «فَأَصْغَى إِلَيْهِ الْإِنَاءَ حَتَّى شَرِبَ مِنْهُ الْهَرُّ ثُمَّ تَوَضَّأَ بِفَضْلِهِ». «حضرت ظرف ابی را که با آن وضو می ساختند به طرف گربه نزدیک برد و گربه از آب نوشید سپس پیامبر با باقیمانده آب وضو ساختند» (راوندی، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

ب. نماز بعنوان مهم ترین واجب اسلامی، در هیچ صورتی نباید ترک شود، اما گاهی به دلیل برخی شرایط به تاخیر می افتد یا حتی به دلیل مصلحت مهم تری قطع می شود. که یکی از موارد قطع نماز جایی است که جان حیوانی در آستانه گم شدن و تلف باشد. در موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام شخصی سؤال کرد: «قُلْتُ فَيَكُونُ فِي الْفَرِيصَةِ فَتَقَلَّتْ عَلَيْهِ دَابَّةٌ أَوْ تَقَلَّتْ دَابَّتُهُ فَيَخَافُ أَنْ تَذْهَبَ . . فَقَالَ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَقْطَعَ صَلَاتَهُ». «گفتم: اگر شخص در حال نماز باشد و ببیند حیوانی رم کرده به سوی او



می‌تازد، یا ببیند حیوان خودش گریخته و امکان دارد گم شود، تکلیف او چیست؟ حضرت فرمود: مانعی ندارد که نمازش را قطع کند.»، (مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۴۲/۱۵). ج. افطار روزه برای نجات انسان یا حیوان از غرق شدن خطیب شربینی، یکی از علمای شافعی مذهب می‌گوید: «یلحق . . . من أفطر لانقاذ آدمی معصوم أو حیوان محترم مشرف علی الهلاک بغرق أو غیره فیجب علیه الفطر إذا لم یمكنه تخلیصه إلا بفطره» (شربینی، ۱۴۱۵ ق: ۲۲۴/۱).

۶. واجب کفایی بودن رسیدگی به امور حیوانات

بحیث حفظ حیات حیوانات بقدری مورد اهتمام است که حتی برای حیوانات گم شده امیر مؤمنان علیه السلام محلی را برای حیواناتی که پیدا می‌شدند، بنا کرده بود و علوفه حیوانات را از بیت المال تأمین می‌نمود و چنانچه شخصی مدرک و نشانه دال بر مالکیت حیوانی را داشت، آن حیوان به او تحویل می‌دادند و در غیر این صورت حیوان در این محل باقی می‌ماند. «وعن أمير المؤمنين علیه السلام، أنه كان بنى للضوال مربدا، فكان يعلفها، لایسمنها و لایهزلهها، و یعلفها من بیت المال فكانت تشرف بأعناقها، فمن أقام بینة علی شیء منها أخذها، وإلا أفرها علی حالها لا بیعها» (بروجردی، ۱۳۹۹: ۵۱۲/۱۸). با توجه به روایت فوق می‌توان ادعا نمود که ایجاد اولین پناهگاه حیوانات بی‌سرپرست و گم شده توسط امیر مؤمنان علیه السلام بنانهاده شده و این امر چنان از اهمیت برخوردار است که امام علیه السلام در اولین خطبه خلافت خویش که منشور خلافت و حکمرانی اسلامی است، مسئولیت حفظ و نگهداری از جان حیوانات را در کنار مسئولیت انسان در برابر هم‌نوعان و شهرها قرار داده و خواستار رعایت تقوای الهی در این زمینه است: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِإِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (سید رضی، ۱۳۸۷ ق: ۲۴۲). پس مشارکت مردم در مسئولیت در برابر شهرها، بقعه‌ها و حیوانات، از امتیازات اسلام است که اجرایی کردن این مسئولیت نیازمند رعایت احکام و قوانینی است که در حمایت از حیوان وضع می‌گردد. (عاملی، ۱۴۳۰ ق: ۶۴/۲۰).

۷. تأمین امنیت روانی حیوانات

حیات انسان و حیوانات تنها در گرو رعایت حقوق مربوط به تمامیت جسمی آنان نیست بلکه تأمین امنیت روانی اهمیت بالاتری دارد زیرا انسان‌ها و حیوانات در داشتن روح و درک و شعور مشترکند. همان‌گونه که دشنام دادن و لعن و نفرین و به کار بردن الفاظی که بوی توهین و تحقیر از آن استشمام می‌شود برای هیچ انسانی خوشایند نیست و عملی زشت و قبیح شمرده می‌شود، حیوانات نیز



مورد توهین و اذیت روحی قرار گیرند؛ امام صادق علیه السلام یکی از حقوق حیوانات را دشنام ندادن به آنها شمرده‌اند: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةٌ حُقُوقٍ . . وَلَا يَشْتُمُهَا» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۳۷/۶؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱۶۴/۶). و امیر مؤمنان علیه السلام دشنام بهائم را مکروه دانسته «وَكَانَ عَلَيَّ يَكْرَهُ سَبَّ الْبَهَائِمِ. (مغربی، ۱۹۶۳: ۳۴۸/۱).

همچنین امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دشنام دادن به خروس نهی کرده و فرمودند: خروس انسان را برای نماز بیدار می‌کند. «وَنَهَى عَنِ سَبِّ الدِّيكِ وَقَالَ إِنَّهُ يَوْقُظُ لِلصَّلَاةِ» (صدوق، بی تا، ۵/۴). در منابع اهل سنت نیز حمیدی همین روایت را نقل نموده است. (حمیدی، ۱۹۹۶م: ۵۹/۲).

حضرت در سال ۳۶ هجری در نامه ۲۵ نهج البلاغه به کارگزاران دریافت زکات می‌نویسد: «فَلَا تَدْخُلْهَا دُخُولٌ مُتَسَلِّطٌ عَلَيْهِ وَلَا عَنِيفٌ بِهِ...» در ورود به محل حیوانات با حالت سلطه و خشونت وارد نشود. و از این طریق، امنیت روحی را در برخورد با حیوانات ایجاد نموده است. همچنین حضرت در ادامه نامه خواستار انتخاب چوپانی خیرخواه، مهربان، امین و حافظ برای همراهی آنان می‌شود تا دستورات مهربانانه و نگاه همه جانبه حضرت در مورد رعایت حق حیوانات، را جامه عمل بپوشاند. و در تذکری صریح برای صیانت از آرامش روانی حیوانات دستور می‌دهند که از جدائی بین ماده شتر و فرزند شیرخوارش خودداری شود و آن چنان او را ندوشند که شیر اندکی بماند و فرزندش گرسنه بماند و صدمه ببیند. حتی حضرت این کار را از موجبات قرب الهی می‌داند و برای این رفتار، بشارت اجر معنوی می‌دهد. (سید رضی، ۱۳۸۷ق: ۲۴۲).

نتیجه گیری

برآمد حاصله از تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مراد از مفهوم حق در حقوق حیوانات، به معنای شایستگی داشتن موجودی نسبت به چیزی بدون توجه به قیود خاص حقوقی، اخلاقی و غیره می‌باشد که حق داشتن حیوان در این تعریف می‌گنجد. حق به معنای سلطه و سلطنت نیز بر حقوق حیوانات قابل تطبیق است.
۲. بر اساس معیارهای برخورداری از حقوق، حیوانات دارای آن معیار لازم می‌باشند به خصوص در اسلام که بر داشتن روح و ادراک تاکید شده است.
۳. گرچه در اعلامیه جهانی حقوق حیوانات به برخی از حقوق تصریح شده و لکن به صورت مدون



و همراه با بیان ضمانت اجرای مناسب اشاره نشده در حالی که در شریعت اسلامی احکام آن بیان گردیده حتی در منشور حکمرانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مورد تاکید قرار گرفته است. تامین اقامتگاه حیوانات گمشده و بی سرپرست گواه اهمیت آن است.

۴. در شرع مقدس اسلام نه تنها به تامین امنیت جسمانی حیوانات دستور داده شده است بلکه حقوقی تحت عنوان حق معاش، تغذیه حلال و سالم، بهداشت اقامتگاه، دارو و درمان و غیره به عنوان واجب عینی یا کفایی بر مردم و حکومت تعیین گردیده است.

۵. حفظ نسل حیوانات و منع از صید بی رویه و انقراض نسل طبق احکام الزام آور مورد توجه قرار گرفته و حتی تحریش در صورت لغو و لعب بودن و سرگرمی حرام و ممنوع شده است.

۶. در فقه اسلامی در موضوعات مختلفی حفظ حیات حیوان مقدم بر سایر امورگشته حتی اموری عبادی و حفظ اموال که این امر کاشف از مصلحت شدید و اقوی در حفظ حیات و زندگی حیوانات دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مكتبة النینوی الحدیثة، بی تا.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج، عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: المكتب الإسلامی، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمائل، تحقیق: عمر بن غرامة العمری، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵ م.
۵. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق و مصحح: هارون، عبدالسلام محمد، قم: مكتب الاعلام الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، قم: نشر أدب حوزة، ۱۴۰۵ ق - ۱۳۶۳ ش.
۷. بحر العلوم، السيد محمد، بلغة الفقيه، تحقیق: محمد تقی آل بحر العلوم، تهران: منشورات مكتبة الصادق، چاپ الرابعة، ۱۳۶۲ ش.
۸. برقی، أحمد بن محمد، المحاسن، تصحیح و تعليق: سيد جلال الدين حسینی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۰ ش - ۱۳۳۰ ش.
۹. بغدادی، محمد بن أحمد، أمالی ابن سمعون (الجامع الكبير)، بی تا، بی نا، بی تا.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. حلی، أحمد بن محمد بن فهد، المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة، تحقیق: شیخ إبراهيم بهادری، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال والحرام، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.



۱۵. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرايع، تحقیق: گروهی از فضلا، مؤسسة سيدالشهداء (عليه السلام)، قم: المطبعة العلمية، ۱۴۰۵ق.
۱۶. حلی، یحیی بن سعید، نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه والنظائر، تحقیق: سيد احمد حسینی، نور الدين واعظی، نجف: آآداب، ۱۳۸۶ق.
۱۷. حمیری، عبدالله بن جعفر (المتوفی ۳۰۴ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، چاپخانه مهر - قم: چاپ الأولى، ۱۴۱۳ق.
۱۸. خراسانی، محمد کاظم، حاشية المكاسب، تحقیق: سيد مهدي شمس الدين، ایران: وزارت إرشاد إسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۱۹. خوانساری، موسی بن محمد، منية الطالب في شرح المكاسب، تقريرات المحقق الميرزا محمد حسين النائینی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ الأولى، ۱۴۱۸ق.
۲۰. خوئی، السيد أبو القاسم، مصباح الفقاهة، قم: مكتبة الداوری، چاپخانه: العلمية - قم: الطبعة الأولى المحققة، بی تا.
۲۱. راغب الإصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، ناشر: طليعة النور، چاپخانه: سليمانزاده، چاپ الثانية، ۱۴۲۷ق.
۲۲. راوندی، فضل الله، النوادر، تحقیق: سعيد رضا علی عسکری، قم: مؤسسة دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۳. رفیعی طباطبایی، سيد حسام الدين، بررسی مبانی حقوق حیوانات در پرتو فقه و رویکردهای فلسفی، پژوهش‌نامه فارس، دوره سوم، شماره ششم، ص ۱۹۴-۲۰۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹ش.
۲۴. رمضان محمد ابوالسعود و زهران، مبادئ القانون (المدخل للقانون والالتزامات)، ألاسكندرية: دار المطبوعات الجامعية، ۱۹۹۸م.
۲۵. رملی، ابوالعباس، حاشية الرملي، بی تا، بی نا، بی تا.
۲۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسير الوسيط، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۷ق - ۲۰۰۶م.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، القاهرة: دار و مطابع الشعب، ۱۹۶۰م.
۲۸. سعد، ابراهيم نبیل و محمد حسين منصور، مبادئ القانون المدخل الى القانون نظرية الالتزامات، بيروت: دار النهضة العربية، ۱۹۹۵م.
۲۹. سيد رضی، محمد، نهج البلاغة، خطب الامام علی (عليه السلام)، تحقیق: صبحی صالح، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.



۳۰. شبر، السيد عبدالله (المتوفى ۱۲۴۲ق)، تفسير القرآن الكريم، تحقيق: الدكتور حامد حفنى داود، ناشر: السيد مرتضى الرضوى، چاپ الثالثة، ۱۳۸۵- ۱۹۶۶م.
۳۱. شربيني، محمد بن أحمد، الإقناع فى حل ألفاظ ابى شجاع، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ق.
۳۲. شربيني، محمد بن أحمد، مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۳۷۷ش.
۳۳. شفيعى، محمد، تأثير محيط زيست در انسان، قم: مؤسسه نشر اسلامى، ۱۳۷۶ش.
۳۴. شوكانى، محمد بن على، نيل الأوطار من أحاديث سيد الأختيار، شرح منتقى الأخبار، بيروت: دارالجيل، ۱۹۷۳م.
۳۵. شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية، تحقيق: سيد
۳۶. شهيد ثانى، زين الدين بن على، الفوائد الملية لشرح الرسالة النفلية، تحقيق: مركز الأبحاث الإسلامى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، چاپ اول، ۱۴۲۰ق - ۱۳۷۸ش.
۳۷. شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلاميه، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۸. صدر، سيد محمد، ما وراء الفقه، المحبين للطباعة والنشر، قم: چاپ سوم، ۱۴۲۷ق - ۲۰۰۷م.
۳۹. صدوق، محمد بن على، علل الشرائع، تحقيق و تقديم: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: منشورات المكتبة الحيدرية و مطبعتها، ۱۳۸۵ق - ۱۹۶۶م.
۴۰. صنعانى، عبد الرزاق بن همام (المتوفى ۲۱۱هـ)، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت: دارالنشر: المكتب الإسلامى، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق.
۴۱. طالبى، محمد حسين، درآمدی بر فلسفه حق، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۴۲. طباطبائى، محمد بن على، المناهل، بی نا، بی جا، بی تا.
۴۳. طباطبائى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۴۴. طباطبائى، قم: مكتبة فيروزآبادى، چاپ سوم، ۱۴۰۲ق - ۱۹۸۲م.
۴۵. طبرانى، سليمان بن أحمد، المعجم الأوسط، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد و



- عبدالمحسن بن إبراهيم حسینی، قاهرة: دارالحرمين، ۱۴۱۵ق.
۴۶. طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع الیبيان فی تفسیرالقران، تحقیق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ق- ۱۹۹۵م.
۴۷. طبرسی، الفضل بن الحسن، تفسیر جوامع الجامع، تحقیق و نشر: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق: سید أحمد حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
۴۹. طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تحقیق و تعليق: السيد حسن الموسوی الخراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ الرابعة، ۱۳۶۳ش.
۵۰. طوسی، محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الإمامية، تحقیق: سید محمد تقی کشفی، انتشارات مرتضوی، ۱۳۸۷ش.
۵۱. عاملی، السيد محمد، نهأیه المرام، تحقیق: آغا مجتبی العراقي، علی پناه الاشتهاردی، حسین الیزدی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ الأولى، ۱۴۱۳ق.
۵۲. عاملی، جعفر مرتضی (معاصر)، الصحيح من سيرة الإمام علي (عليه السلام)، ناشر: ولاء المنتظر (عج)، دفتر تبليغات اسلامی، چاپ الأولى، ۱۴۳۰- ۱۳۸۸ق.
۵۳. عاملی، حر، محمد بن الحسن، تفصيل وسائلا لشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۵۴. فاضل الآبي، الحسن بن ابی طالب، كشف الرموز فی شرح المختصر النافع، تحقیق: علی پناه الاشتهاردی، حسین الیزدی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، المشرفة، ۱۴۰۸ق.
۵۵. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير أو مفاتيح الغيب، بی نا، بی تا.
۵۶. فراهیدی، الخلیل بن أحمد، كتاب العين، تحقیق: الدكتور مهدی المخزومی - الدكتور ابراهيم السامرائی، قم: مؤسسة دار الهجرة، چاپ الثانية، ۱۴۱۰.
۵۷. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
۵۸. قرائتی، محسن، پرتوی از نور، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۵۹. قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق و تصحیح: أحمد عبدالعلیم البردونی، بيروت-لبنان: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵م.



۶۰. فتح الله، احمد، (معاصر)، معجم ألفاظ الفقه الجعفری، چاپخانه: مطابع المدوخل - الدمام، چاپ اول، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.
۶۱. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۶۲. کاشف الغطاء، محمدحسین، الفردوس الأعلى، تحقیق: سید محمدعلی قاضی، بی تا.
۶۳. کلانتر، محمد، منشورات جامعه النجف الدینیة، قم: امیر، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی أكبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ: پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۶۵. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق: سید مرتضی عسکری، تهران: دارالکتب الإسلامية، تهران: چاپخانه مروی، چاپ الثانية، ۱۴۰۴ - ۱۳۶۳ ش.
۶۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، بیروت: مؤسسه الوفاء، الثانية المصححة، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م.
۶۷. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين فی شرح من لایحضره الفقیه، محقق/مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهازدی علی پناه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
۶۸. مصباح یزدی، محمد تقی (معاصر)، حقوق و سیاست در قرآن، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ش.
۶۹. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: سال ۱۳۶۰ ش.
۷۰. مغربی، القاضی النعمان (المتوفی ۳۶۳ هـ)، دعائم الإسلام، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، ناشر: دار المعارف - القاهرة، ۱۳۸۳ - ۱۹۶۳ م
۷۱. مغنیة، محمد جواد (المتوفی ۴۰۰ ق)، التفسیر الکاشف، ناشر: دار العلم للملایین - بیروت - لبنان، سال چاپ: آذار (مارس) ۱۹۸۱
۷۲. موحد، محمد علی، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، نشر کارنامه، تهران: ۱۳۸۱.
۷۳. نبویان، محمود، صاحبان حق، قم: فصلنامه معرفت فلسفی، سال هفتم، شماره سوم، بهار ۸۹، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۷۴. نووی، یحیی بن شرف، المجموع، دارالفکر، بی تا، بی تا
۷۵. هاشمی شاهرودی (و جمعی از پژوهشگران)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)،



- مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم: ۱۴۲۳ق
۷۶. یزدی، طباطبائی، سید محمدکاظم، حاشیه المکاسب، قم: مؤسسه إسماعیلیان، ۱۳۷۸ ش.
۷۷. صدوق، محمد بن علی (المتوفی ۳۸۱ق)، الخصال، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲.
۷۸. البانی، محمد ناصر (المتوفی: ۱۴۲۰ هـ)، صحیح سنن ابی داود، الناشر: مؤسسة غراس، الكويت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م.
۷۹. بروجردی، حسین طباطبائی، جامع أحادیث الشیعة، قم: المطبعة العلمية، ۱۳۹۹ ش.
۸۰. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۸۱. أحسانی، ابن أبی جمهور، عوالی اللئالی، تحقیق: مجتبی العراقی، قم: سید الشهداء، چاپ الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م.
۸۲. بیهقی، أحمد بن الحسین، سنن البیهقی الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مكة المكرمة: مكتبة دار الباز، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴ م.
۸۳. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: جامعه مدرسين حوزة علمیه، بی تا.
۸۴. حمیدی، عبد الله بن الزبیر، مسند الحمیدی، تحقیق: حسن سلیم أسد الدّازنی، دمشق: دار السقا، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۶ م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی